

به نام خدا

سبک‌های فرزند پروری والدین بر اساس هوش هیجانی دانش‌آموزان

تألیف و گردآوری

مریم خسروی

www.ketab.ir



انتشارات پارینا
Parina Publication

سرشناسه : خسروی، مریم، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور : سبک‌های فرزندپروری والدین بر اساس هوش هیجانی دانش‌آموزان /تالیف و گردآوری مریم خسروی.
مشخصات نشر : تهران: پادینا، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری : ۹۴ ص.
شابک : 978-622-294-214-4/۵۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : رفتار والدین Parenting
کودکان - سرپرستی Child rearing
هوش هیجانی Emotional intelligence
رده بندی کنگره : ۸/HQ۷۵۵
رده بندی دیویی : ۱/۶۴۹
شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۳۸۹۴۷

فهرست

مقدمه.....	۵
فصل اول.....	۹
سبک فرزندپروری.....	۱۰
راه‌های انتخاب روش‌های تربیتی.....	۱۰
مسئولیت و سلامت روانی والدین.....	۱۰
تعریف سبک‌های فرزندپروری.....	۱۱
عوامل مؤثر بر سبک‌های فرزندپروری.....	۱۲
کنش‌های متقابل بین والدین و کودک و ترتیب تولد.....	۱۴
شخصیت و نگرش‌ها و رفتار والدین.....	۱۴
تکنیک‌های والدین جهت اعمال کنترل.....	۱۵
سنخ‌شناسی فرزندپروری.....	۱۷
روابط والدین - فرزندان در ادوار مختلف.....	۲۱
انواع تیپ‌های خانواده.....	۲۳
سبک‌های فرزندپروری.....	۲۴
فصل دوم.....	۳۳
طبقه‌بندی الگوهای تربیتی برای فرزندان.....	۳۴
عوامل مؤثر بر شیوه‌های فرزند پروری.....	۳۵
روابط والد-فرزندی.....	۳۹
سبک‌های دلبستگی جان بالبی.....	۴۱
سبک‌های فرزندپروری.....	۴۴
شرایط لازم برای فرزندپروری.....	۵۱
فصل سوم.....	۵۳
هوش هیجانی.....	۵۴
تاریخچه هوش هیجانی.....	۵۴
هوش هیجانی چیست؟.....	۵۶
نظریه‌هایی در باب هوش.....	۵۸
هیجان چیست؟.....	۶۰
فواید هیجان.....	۶۳

در متون اسلامی سبک‌های فرزندپروری^۱ فعالیت‌های پیچیده شامل رفتارها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه اسلام، مسئولیت تربیت فرزند در دوران کودکی بر عهده پدر و مادر است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است.

خانواده به عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی دارد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان بویژه رشد روانی آنها، چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چارچوب خانواده است. روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و هم چنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی مؤثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تأثیر فراوان دارد. ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال‌ها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. در متون اسلامی نیز فرزندپروری فعالیت‌های پیچیده شامل رفتارها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها دانست که تعاملات والد-فرزند را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند. بامریند^۲ (۱۹۹۱) که مطالعات طولی برجسته‌ای را با مشاهده تعامل‌های والدین با فرزندان خود انجام داد، شیوه‌های فرزندپروری را شامل رفتارهای گوناگون متنوع و بهنجار و طبیعی می‌داند. بامریند دریافت که شیوه‌های مختلف فرزندپروری والدین در دو بعد با یکدیگر تفاوت دارند. بعد اول توقع و کنترل و بعد دوم پذیرندگی و اجابت‌کنندگی می‌باشد. ترکیب گوناگون دو بعد توقع/کنترل و پذیرندگی/اجابت‌کنندگی چهار شیوه فرزندپروری را به وجود می‌آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است؛ مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه. چهارمین شیوه یعنی شیوه کناره‌گیر (مسامحه‌کار) را محققان دیگری مورد مطالعه قرار داده‌اند. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک

1 - Parenting Style

2 - Baumrind

مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین و از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. والدین با سبک فرزندپروری سهل گیرانه روش مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می دهند تا در هر سنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند. بامریند دریافت که مطلوب ترین نتایج تحولی که سبب سازگاری های مختلف در فرزندان در رشد همه جانبه آنان می شود، با شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین در ارتباط است.

از نظر تاریخی مدارس همواره بر آموزش تحصیلی کودکان، تقویت مهارت های آنها در خواندن، نوشتن و حساب کردن متمرکز بوده اند، اما امروزه متخصصان آموزش و پرورش دریافته اند که چالش های عصر جدید و خواست های کنونی جامعه، نیازمند مهارت های افزوده ای در حیطه آگاهی هیجانی، تصمیم گیری، تعارض اجتماعی و حل تعارض اند. بارها اصطلاح پرخاشگری^۱ را شنیده ایم، اما هنگامی که می خواهیم آن را تحلیل یا تعریف کنیم کاری بسیار مشکل است و این اصطلاح مبهم به نظر می رسد. کشتارهای دسته جمعی، قتل های انفرادی، تجاوز، تبعیض، محروم کردن از حقوق اولیه، همه گویای چهره زشت و خشن انسان نسبت به هموعان خود است. نتایج پژوهش ها نشان داده است که پرخاشگری از شاخص های مهم پاره ای از اختلالات روانی مانند اختلال سلوک و اختلال شخصیت ضداجتماعی به شمار می آید. همچنین رفتار پرخاشگرانه با بیماری های جسمانی مانند بیماری قلب و عروق و سردرد تنشی نیز در ارتباط است.

نظریه هوش هیجانی دیدگاه جدیدی درباره پیش بینی عوامل مؤثر بر موفقیت و همچنین پیشگیری اولیه از اختلالات روانی را فراهم می کند. با توجه به اینکه پرخاشگری نوعی هیجان محسوب می شود و یکی از مؤلفه های هوش هیجانی مدیریت هیجانات است به نظر می رسد با استفاده از آموزش هوش هیجانی و بکارگیری سبک های فرزندپروری، بتوان

پرخاشگری را در افراد مهار کرد. ارتباط هوش هیجانی با عملکرد بهتر و موفق تر در محیط‌های تحت تنیدگی و همراه با فشار روانی اجتماعی نشان داده شده است. هوش هیجانی^۱ آخرین و جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط بین تعقل و هیجان است. علی‌رغم دیدگاه‌ها، نگاه واقع‌بینانه به ماهیت انسان نشان می‌دهند که انسان برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت‌های هیجانی و منطقی وابسته است. در برخی مواقع محققان ادعا می‌کنند که خود آگاهی و زندگی درونی به طور چشم‌گیری توسط تجربه‌های هیجانی مشخص می‌شود، لذا هوش هیجانی می‌تواند با مشکلات هیجانی زیادی که ریشه در تجارب میان فردی و درون فردی دارند، مرتبط باشد.

www.ketab.ir